



۲۰۱۸/۱۲/۱۸



محمد شعیب حیدری

عجله در مذاکرات صلح افغانستان

سال ۲۰۱۸ میلادی گواه تغییرات سریع در راستای تلاش های صلح در افغانستان بوده است. اشرف غنی رئیس جمهور کشور در اوایل ماه فبروری میلادی پیشنهاد مذاکره بدون پیش شرط با گروه طالبان را مطرح کرد. در جریان فصل تابستان، دولت و طالبان برای اولین بار در طی ۱۷ سال جنگ به یک آتش بس کوتاه مدت سه روزه دست یافتند. امریکا نماینده خاص خود برای صلح در افغانستان را به منظور پایان دادن به جنگ در این کشور که طولانی ترین جنگ امریکا محسوب می شود، معرفی کرد. روسیه نشستی در مورد صلح افغانستان را میزبانی کرد که در آن نماینده گان شورای عالی صلح و طالبان با هم دیدار و گفت و گو کردند. در آخرین مورد هم، رئیس جمهور در جریان کنفرانس ژنو در مورد افغانستان یک هیأت ۱۲ نفری را برای گفت و گو با طالبان معرفی کرد.

با توجه به سرعت سریع پیشرفت مذاکرات صلح، باید چنین باوری وجود داشته باشد که در این کشور یک تقاضای عمومی برای صلح وجود دارد. به گفته زلمی خلیلزاد، نماینده خاص امریکا برای صلح در افغانستان، افغان ها سزاوار صلح اند؛ چرا که آنان ۴۰ سال درگیر جنگ بوده اند. با این حال، نظرسنجی تازه بنیاد آسیا (Asia Foundation) در مورد افغانستان یک تصویر پیچیده از افکار عمومی در مورد تلاش های صلح را نشان می دهد. نتیجه این نظر سنجی نشان می دهد که بهتر است در تلاش های صلح عجله نشود.

یافته های نظرسنجی سال ۲۰۱۸ نشان می دهد که ۴۱,۹ درصد از افغان ها فکر می کنند که صلح با طالبان ممکن نیست. این نظر سنجی حاکی از آن است که دیدگاه عمومی در مورد تلاش های صلح به دو دسته تقسیم شده است. از منظر قومی، تفاوت ها فاحش و قابل توجه است. در حدود ۶۳,۷ درصد از پشتون ها معتقدند که صلح با طالبان امکان پذیر است در حالیکه تنها ۵۰,۸ درصد از تاجیک ها، ۴۲,۵ درصد از هزاره ها و تنها ۳۸,۸ درصد از ازبیک ها به این باور اند. دیدگاه های مردان و زنان نیز متفاوت است، چنانچه ۶۰,۵ درصد از مردان شدیداً معتقدند که امکان صلح با طالبان وجود دارد در حالیکه تنها ۴۶,۵ درصد از زنان صلح بین دو طرف را امکان پذیر می دانند.

همچنین در مناطق مختلف تفاوت های قابل توجهی وجود دارد؛ چنانچه ۷۳,۶ درصد از پاسخ دهندگان در شرق کشور باور دارند که صلح با طالبان امکان پذیر است در حالی که در مناطق مرکزی (هزاره جات) تنها ۳۲,۹ درصد از پاسخ دهندگان به این باور اند. علاوه بر این، یافته های این نظر سنجی نشان می دهد که هنوز هم بسیاری از افغان ها از طالبان ترس و هراس دارند. در حدود ۹۳,۶ درصد از افغان ها می گویند که در مواجهه با این گروه احساس ترس می کنند در حالی که ۹۴,۹ درصد از آنان در مواجهه با گروه داعش احساس ترس

می کنند که به این ترتیب گروه طالبان دومین گروه خطرناک پس از داعش به حساب می آید. در عین حال، تنها ۳۸,۶ درصد از افغان ها هنگام مواجه شدن با ارتش ملی افغانستان احساس ترس می کنند. این نشان می دهد که ادغام طالبان در جامعه یک روند دشوار خواهد بود .

نبود اجماع در مورد تلاش های صلح و گستره اختلاف نظرها فراتر از مردم عام است. اخیرا غنی به پیشنهاد خلیلزاد، لیستی از ۱۲ نفر را برای مذاکره با طالبان آماده کرده است. بلافاصله پس از معرفی این هیأت، اعضای پارلمان و احزاب سیاسی کشور در مورد توانایی هیأت مذاکره کننده و همه شمول بودن آن ابراز تردید کردند. در حالی که احزاب سیاسی از این هیأت انتقاد کردند و تمایل طالبان برای گفت گو با این هیأت را زیر سوال بردند، تعدادی از نمایندگان مجلس نمایندگان سوالاتی را در مورد نفوذ اعضای تیم مذاکره کننده مطرح کردند. علاوه بر این اختلاف نظر، احزاب سیاسی "نقشه راه جامع" برای پیشبرد مذاکرات صلح را مورد انتقاد قرار دادند و گفتند که آنها در طرح جدید صلح شامل نشده اند. گستره این اختلاف و عدم هماهنگی از سطح ملی نیز فراتر است .

به نظر می رسد که تمام احزاب درگیر در جنگ افغانستان به این نتیجه رسیده اند که این جنگ راه حل نظامی ندارد و برای این که تلاش های صلح به موفقیت بیانجامد باید یک اجماع بین المللی ایجاد شود. عدم وجود چنین اجماعی در کنفرانس مسکو در مورد افغانستان به وضوح دیده شد. دولت افغانستان دعوت روسیه برای اشتراک در کنفرانس صلح را رد کرد و سپس اعضای شورای عالی صلح را به نمایندگی از دولت افغانستان برای شرکت در این کنفرانس فرستاد و در نهایت اعلام کرد که آنها نمایندگان رسمی دولت افغانستان نبودند. امریکا هم دعوت روسیه را رد کرد و در مورد قصد و تلاش روسیه مبنی بر ایجاد صلح و ثبات در افغانستان ابراز تردید کرد؛ اما در نهایت یکی از دیپلمات هایش را برای شرکت در این کنفرانس فرستاد.

کارشناسان مسائل سیاسی درباره ترس از یک "بازی بزرگ جدید" در افغانستان و تبدیل شدن این کشور به یک میدان نبرد برای قدرت های منطقه ای و بین المللی صحبت می کنند. در ماه اپریل ۲۰۱۸ میلادی، مقامات امریکایی روسیه را متهم به بی ثبات ساختن افغانستان و فراهم کردن جنگ افزار به طالبان کردند . چنین اعتقادی وجود دارد که یکی از دلایل این حرکت روسیه حس نا امیددی است که از حضور طولانی مدت امریکا در افغانستان به روسیه دست داده است. ایران یکی دیگر از قدرت های منطقه ای است که متهم به شعله ور ساختن آتش جنگ در این کشور است. در اواخر ماه اپریل ۲۰۱۸، زمانی که که نبرد بین نیروهای دولتی و طالبان در ولایت فراه در غرب کشور تشدید شد، دولت افغانستان از کمک تسلیحاتی ایران به طالبان در این ولایت شکایت کرد .

دولت ایالات متحده امریکا نیز ایران را متهم به تجهیز تمویل و آموزش جنگجویان طالب کرده است. حتی به نظر می رسد که دولت افغانستان و فرستاده ویژه امریکا برای صلح در افغانستان بر سر یک نقشه راه برای صلح توافق نکنند. گرچه گزارش ها حاکی از آن است که برای خلیلزاد شش ماه برای به ثمر رساندن مذاکرات صلح فرصت داده شده است؛ اما رئیس جمهور غنی در کنفرانس ژنو در سوئیس گفته است که طرح صلح حداقل پنج سال زمان نیاز دارد .

با توجه به این امر، تعداد افغان هایی که معتقدند طالبان بخاطر حضور نظامی نیروهای خارجی در کشور می جنگند نسبت به سال قبل ۶,۴ درصد افزایش یافته است که با این حساب ۱۵,۲ درصد مردم به این باور اند. در

همین حال، در حدود ۱۱,۱ درصد از پاسخ دهندگان گفته اند که طالبان بخاطر این که توسط پاکستان حمایت و پشتیبانی می شوند می جنگند (تقریباً همان درصد سال گذشته)، و ۴,۷ درصد دیگر معتقدند که طالبان از سوی کشورهای خارجی نامعلوم حمایت می شوند (کاهش اندکی در مقایسه با سال ۲۰۱۷). اما دلیل اصلی جنگ جاری در افغانستان هنوز پا برجاست و آن این است که طالبان می خواهند به قدرت برسند.

در ضمن، اظهارات طالبان در مصاحبه ای در جریان کنفرانس اخیر در مورد صلح افغانستان نشان می دهد که دیدگاه این گروه هیچ تغییری از سال های قبل نکرده است. ایدئولوژی این گروه دستاوردهای که مردم افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا حال در عرصه های مختلف از جمله حقوق زنان، آزادی بیان، انتخابات و قانون اساسی جدید داشته اند را قبول نمی کنند. شاید دلیل این که اکثریت قریب به اتفاق افغان ها یعنی (۹۳,۶ درصد) آنها در هنگام مواجه شدن با طالبان احساس ترس و هراس می کنند هم همین باشد.

اندکی پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، کنفرانس بن به منظور ایجاد دولت جدید افغانستان برگزار شد. بسیاری از کارشناسان افغان معتقدند که مذاکراتی که در آن زمان انجام شد بیش از حد شتابزده بود و یکی از اشتباهات مانع شدن از حضور نمایندگان طالبان در آن کنفرانس بود. گفتگوهای عجولانه و شتابزده شانس ناکامی اش زیاد است - نمونه اش هم کنفرانس بن در مورد افغانستان است.

برای ایجاد صلح دوامدار و پایدار، مشارکت همه ذینفعان اعم از ملی و بین المللی نیاز است. شتاب و عجله در مذاکرات صلح مؤثر تمام نخواهد شد. پایان

